

بازخوانی يك سند مهم تاريخ معاصر ايران

تنها 10 روز پس از پایان جنگ جهانی دوم (اردیبهشت 1324) دولت ایران طی یادداشتی پیروزی متفقین را به سه کشور آمریکا، شوروی و انگلیس تبریک گفت و یادآوری کرد که پس از پایان جنگ در اروپا، دیگر لزومی به باقی ماندن نیروهای متفقین در ایران نیست و بهتر است این نیروها هر چه زودتر خاک ایران را ترک کنند. هر چند این یادداشت بی‌پاسخ ماند اما در کنفرانس پوتسدام در تیرماه 1324، استالین، ترومن و چرچیل در اعلامیه نهایی موافقت کردند که قوای متفقین تهران را تخلیه کنند و در کنفرانس وزرای خارجه سه کشور آمریکا، شوروی و انگلیس بر اساس یک پیمان سه جانبه قرار شد تا 12 اسفند 1324 این نیروها خاک ایران را ترک کنند. اما هنوز يك روز از صدور این پیمان نگذشته بود که شبه نظامیان مسلح با رهبری فردی به نام سید جعفر پیشه‌وری و با پشتیبانی ارتش سرخ، کلیه مراکز دولتی و پاسگاه‌های ژاندارمری را در شهرهای آذربایجان اشغال و فرقه دموکرات آذربایجان را ایجاد کردند.

البته این اشغال با دیپلماسی زیرکانه قوام و ورود ارتش ایران در 21 آذر سال بعد (1325) پایان گرفت و آذربایجان نجات یافت. اما هنوز برخی جریان‌های مشکوک خصوصاً در چند سال اخیر در داخل و خارج در پی زنده نگه داشتن خاطره این فرایند خیانت‌بار هستند و تلاش می‌کنند از سید جعفر پیشه‌وری يك چهره آزادیخواه تصویر کنند در حالی که با انتشار اسناد مهمی که در کنفرانس «طرح تاریخ بین‌المللی جنگ سرد» در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است کاملاً روشن شد که پیشه‌وری با فرمان مستقیم استالین فرقه دموکرات آذربایجان را با هدف جدایی‌طلبی ایجاد کرده است.

باید توجه داشت تبلیغات و تحلیل‌هایی که از سوی بازماندگان و هواداران این فرقه تا قبل از فروپاشی شوروی صورت می‌گرفت به گونه‌ای بود که گویی پیشه‌وری هیچ‌گاه در فکر جدا کردن آذربایجان از ایران نبوده است اما نکته مهم در اینجا است که پس از فروپاشی شوروی و خصوصاً در سالهای اخیر بازماندگان فکری این جریان به همراه دستهای مشکوک، تبلیغاتی را در يك فرایند جدید و هدف‌دار و از جنس اهداف واقعی پیشه‌وری سامان داده‌اند که ضرورت توجه رسانه‌ها به این مهم را آشکار می‌سازد.

اسناد منتشر شده از سوی «مرکز بین‌المللی وودر ویلسون» که طی سالهای 2002 - 2000 در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است، هدف استالین از تشکیل این فرقه و جداسازی آذربایجان و شمال ایران و منضم کردن آن به خاک شوروی را تصویر کرده است. این اسناد مهم که به وسیله محقق گرانقدر آقای کاوه بیات ترجمه شده، این وابستگی و توطئه برنامه‌ریزی شده را به وضوح آشکار می‌سازد. کاوه بیات در مقدمه گزارش خود چنین نوشته است:

«از جمله [اسناد منتشر شده در کنفرانس «طرح تاریخ بین‌المللی جنگ سرد»] سه سند مهم درباره جوانب برنامه شوروی در قبال نفت شمال ایران وجود دارد که زمینه ساز بروز بحران آذربایجان بوده است. این اسناد و دستورالعمل‌های ریز و دقیق درباره کم و کیف تأسیس و سازماندهی فرقه دموکرات آذربایجان، از لحاظ آشنایی با ماهیت فرقه، اسناد مهم و در خور توجهی به شمار می‌آیند.» این اسناد به طور کامل به همراه گزارش کنفرانس «طرح تاریخ بین‌المللی جنگ سرد» در فصلنامه شماره 40 گفت و گو به چاپ رسیده است که به چکیده‌ای از آنها اشاره می‌شود:

سند شماره 1

فرمان کمیته دفاع دولتی [اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی] که در مورد اقدامات اکتشافی زمین‌شناسی برای نفت شمال ایران است. این فرمان از سوی استالین در 31 خرداد 1324 یعنی پس از پایان جنگ زمانی صادر شده است که شوروی نه تنها تصمیم به تخلیه شمال ایران را نداشته، بلکه در حال برنامه‌ریزی برای ماندن در شمال ایران بوده است. این فرمان نواحی شاهی، بابلسر، بندر پهلوی، گرگان، آمل، جلفا، زنجان، تبریز، اردبیل، مازندران، رشت و کلاً کرانه‌های دریای خزر و مرزهای شوروی را در بر می‌گرفته است.

استالین بر اساس این سند، «رفیق نیولنف» را موظف می‌کند «فضای اداری و اقامتی لازم را در قزوین و مناطق عملیاتی در اختیار واحد هیدرولوژیک قرار دهد.» در این دستورالعمل حتی تعداد تراکتورها، خودروهای سبک و سنگین، تانکرها و ... را برای اجرای عملیات مشخص شده است.

در آخرین بند این فرمان آمده است: «دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان رفیق باقروف [رئیس‌جمهور وقت آذربایجان شوروی] را در هر گونه کمک و همراهی ... در شمال ایران مسؤول بدانید.»

دولت ایران طی یادداشت دیگری در 23 شهریور 1324 بار دیگر تقاضای خود را در مورد تخلیه قشون خارجی به متفقین تکرار

کرد. در کنفرانس وزیران خارجه سه دولت بزرگ که چند روز بعد در لندن برگزار شد، طبق پیمانی سه جانبه، موافقت کردند که تا 12 اسفند همان سال ایران را تخلیه کنند. البته دولتهای آمریکا و انگلیس به این پیمان عمل کردند اما استالین که در تیرماه همان سال فرمان تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان را خطاب به میرجعفر باقروف صادر کرده بود، عمل به این پیمان سه جانبه را ضروری نمی‌دید. این فرمان در سند شماره 2 آمده است.

سند شماره 2

در سند شماره دو که از سوی دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی صادر شده و مهر فوق محرمانه دارد چنین آمده است:

«فرمان دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادیه شوروی به میر (جعفر) باقروف، صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در مورد «اقداماتی جهت سازماندهی یک جنبش جدایی طلب در آذربایجان و دیگر ایالات شمالی ایران» 6 ژوئیه / 15 تیر ماه 1324».

«... رفیق باقروف ... یک حزب دموکراتیک در آذربایجان جنوبی به نام «حزب دموکراتیک آذربایجان» [مشهور به فرقه دموکرات آذربایجان] با هدف رهبری جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی تأسیس کنید. تأسیس این حزب در آذربایجان جنوبی باید با یک تجدید سازمان توأم، بخش جدایی طلب از تمامی اقشار مردم ایران صورت گیرد».

در میان کردهای ساکن شمال ایران، برای جذب آنها در یک جنبش جدایی طلب که یک ناحیه خودمختار ملی کرد را تشکیل دهد، اقدامات مناسب صورت دهید.

یک گروه از فعالان مسؤول را در تبریز که به هماهنگی فعالیت‌هایشان با سرکنسولگری اتحاد جماهیر شوروی در تبریز موظف باشند، برای هدایت جنبش جدایی طلب تشکیل دهید. سرپرستی این گروه به باقروف و یعقوب اف و آگذار می‌شود.»

در این فرمان، و آگذاری اراضی به دهقانان - تأسیس گروه‌های رزمی مسلح جهت اهالی هوادار شوروی - تأسیس انجمن دوستان آذربایجان شوروی - انتشار یک نشریه مصور در باکو برای توزیع در ایران و سه روزنامه در آذربایجان جنوبی، تهیه سه دستگاه چاپ و تأمین کاغذ خوب جهت انتشار سه روزنامه با تیراژ حداقل 30 هزار نسخه - تأمین یک میلیون روبل ارز خارجی برای تبدیل به تومان و ... مورد تأکید قرار گرفته است.

سند شماره 3

سند شماره سه که 8 روز بعد از سند دوم صادر شده دستورالعمل‌های کاملاً محرمانه شوروی در مورد اقداماتی است که باید جهت اجرای مأموریت ویژه در سراسر آذربایجان جنوبی و ایالات شمالی ایران اعمال شود. در این سند کاملاً محرمانه که با موضوع تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان صادر شده چنین آمده است:

«وسایل سفر» پیشه‌وری «کامبخش» به باکو برای مذاکره فوری سازماندهی شود... برای تأسیس کمیته‌های مؤسس در مرکز (تبریز) و دیگر نقاط در عرض یک ماه کاندیداهایی را از میان عناصر واقعی دموکرات از میان روشنفکران، تجار طبقه متوسط، زمینداران کوچک و متوسط و روحانیون، احزاب دموکراتیک مختلف و همچنین از میان غیر حزبی‌ها انتخاب کرده و به کمیته‌های مؤسس فرقه دموکرات آذربایجان وارد کنید... پس از استقرار کمیته‌های مؤسس فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز، تأسیس کمیته‌های محلی فرقه دموکرات آذربایجان، در شهرهای ذیل از اولویت‌های نخست خواهد بود: اردبیل، رضاییه، خوی، میانه، زنجان، مراغه، مرند، مهاباد، ماکو، قزوین، رشت، پهلوی، ساری، بندر شاهی، گرگان و مشهد. برای سازماندهی کمیته‌های این شهر نمایندگان را از کمیته مؤسس و مرکزی اعزام دارید.

در سند شماره 3 برای سازماندهی جنبش جدایی طلب چنین آمده است:

«برای شکل دادن به یک جنبش جدایی طلب در جهت تأسیس یک منطقه خودمختار آذربایجانی و یک منطقه خودمختار کرد با اختیارات گسترده اقدام شود.» در این سند دستوراتی جهت تشکیل انجمن‌ها و سازماندهی ارگان‌های مطبوعاتی و انتشار روزنامه و ایجاد چاپخانه در شهرهای رشت، رضاییه و مهاباد صادر شده است.

این سندها به وضوح نیت پیشه‌وری و فرقه دموکرات آذربایجان در آن برهه زمانی را نسبت به تمامیت ارضی ایران آشکار می‌سازد. اما این پایان کار نیست زیرا هم اکنون جریان‌های خاصی چه در داخل و چه در خارج از کشور اهدافی را دنبال می‌کنند

که پیشه‌وری بر آن تأکید داشت. هواداران پیشه‌وری امروز با برگزاری جلسات، انتشار نشریه و فعالیت در سایت‌های اینترنتی متعدد در تبلیغ این فرآیند تلاش می‌کنند و شبکه الجزیره نیز به آن دامن می‌زند. اما متأسفانه واکنش سیاسی، فرهنگی و امنیتی مناسبی در این مورد صورت نمی‌گیرد در این شرایط حساس جهانی و منطقه‌ای لازم است به اقداماتی اندیشید که در سایه آن ایران دارای تکثر قومی و فرهنگی، از چنین تحركات جدایی‌طلبانه دچار آسیب و زیان نشود. لذا با توجه به شرایط حساس کنونی، توجه ویژه کارشناسی و دلسوزانه به وحدت ملی ایران و آگاهی و بیداری ملی، از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است که کوتاهی در انجام این مهم می‌تواند زیانهای غیر قابل جبرانی را برای سرزمین کهن ایران به دنبال داشته باشد.

اسماعیل آزادی، روزنامه ایران، 14 آذر 1383